

سرمقاله

سیاست ما در قبال جنگ و صلح

حفيظ الله زكي

مردم ما با اصطلاح سیاست دوگانه آشنایی دارند. این اصطلاح در افغانستان بیشتر در مورد پاکستان به کار می رود. منظور از سیاست دوگانه پاکستان این است که آن کشور در مبارزه با تروریسم از سیاست های دوپهلو استفاده می کند، از یک طرف همگام با ائتلاف بین المللی مبارزه با تروریسم، عملیات هایی را در مناطق مختلف پاکستان راه اندازی می کند و از سوی دیگر با برخی از شبکه های تروریستی در تعامل وهمکاری می باشد و از آنها برای پیشبرد اهداف راهبردی خود در منطقه استفاده می کند.

منظور از طرح این موضوع این است که حکومت افغانستان نیز در قبال تروریسم و گروه های حامی آنها از سیاست های دوگانه بهره می برد. از یک طرف پروسه صلح را با مصارف گزاف راه می اندازد و از طالبان دعوت به مذاکره می کند و از سوی دیگر شعارهای تند جنگ را سر می دهد و از قتل و کشتار سخن می گوید.

در زمان رییس جمهور قبلی این دوگانگی کمتر دیده می شد. آنچه بود شعار صلح و برادری بود. امتیازهای یک طرفه و خارج ساختن رهبران طالبان از لیست سیاه سازمان ملل و آزادی فرماندهان عمده آنها از زندانهای پلچرخی و بگرام. در آن زمان وقتی حکومت می اندازد و از طالبان دعوت به مذاکره می کند و از سوی دیگر شعارهای تند جنگ را سر می دهد و از قتل و کشتار سخن می گوید.

در زمان رییس جمهور قبلی این دوگانگی کمتر دیده می شد. آنچه بود شعار صلح و برادری بود. امتیازهای یک طرفه و خارج ساختن رهبران طالبان از لیست سیاه سازمان ملل و آزادی فرماندهان عمده آنها از زندانهای پلچرخی و بگرام. در آن زمان وقتی حکومت می اندازد و از طالبان دعوت به مذاکره می کند و از سوی دیگر شعارهای تند جنگ را سر می دهد و از قتل و کشتار سخن می گوید.

اما این وضعیت پس از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی با پیچیدگی خاص همراه گردید. از یک طرف رییس جمهور با تعبیر «مخالفان سیاسی» به نگرانی مردم افزود و از سوی دیگر تأکید می شد کسانی که مردم و نیروهای امنیتی ما را می کشند، دشمن ما هستند. اما طالبان مانند گذشته نه به تعبیر نرم رییس جمهور اهمیت دادند و نه به هشدارهای آن وقتی نهادند. سران این گروه همچنان بر طبل جنگ کوبیدند و از آغاز حملات بهاری خبر دادند. حملات بهاری طالبان بر خلاف سال های گذشته، بر ناامن سازی مناطق شمالی کشور تمرکز پیدا کرد و چالش های زیادی را فراروی حکومت در این مناطق به وجود آورد.

چنایات غیر انسانی طالبان در بدخشان و میدان وردک و فشارهای نظامی که در ولایت های دیگر بر نیروهای امنیتی وارد کرد، خشم عمومی را در برابر طالبان برانگیخت و فشارهای مضاعفی را بر مقامات حکومتی تحمیل نمود. مقامات امنیتی نیز در پاسخ به انتقادات شهروندان اظهار داشتند که طالبان دشمن ماست. بر کسانی که بر مردم ما رحم نمی کنند، هرگز رحم نمی کنیم. البته این گفته ها تا حدودی آسیب دیده نیروهای امنیتی را ترمیم کرد و انگیزه های جنگی و مبارزاتی نیروها را بالا برد، اما مردم نسبت به این شعارها پادیده شک و تردید نگاه می کردند. رفتن دوستم به ولایت های شمال از جایگاه معاون اول رییس جمهور و موضع گیری های سریع و روشن ایشان در برابر طالبان و سایر مخالفان مسلح شک و تردیدهای موجود را تا حدودی از بین برد و این اطمینان را به وجود آورد که دولت در کنار پروسه صلح

به مسئله جنگ نیز توجه دارد.

اما نکته مهم و اساسی این است که سیاست های دوگانه حکومت در قبال طالبان و سایر مخالفان مسلح در چوکات یک راهبرد مشخص صورت نمی گیرد. کل حکومت در برابر روند صلح و جنگ، همسان تصمیم نمی گیرند، تا از صلح و جنگ مانند دو تیغه یک قیچی برای رسیدن به یک هدف کلان سیاسی استفاده شود. اینجا بخشی از حکومت از تمام توان خود در راستای صلح استفاده می کنند و بخشی دیگر بر جنگ اصرار می ورزند، بدون این که هماهنگی میان این دو تصمیم و دو عمل وجود داشته باشد. بنابراین سیاست های دوگانه حکومت، پیش از آن که سلطه و سیطره حکومت را بر مسایل مهم ملی نشان دهد، بیانگر یک نوع گسستگی و نابسامانی در راهبردها و برنامه های حکومت می باشد و ادامه این وضعیت می تواند هم آینده صلح را به مخاطره اندازد و هم بر سرنوشت جنگ تأثیر منفی داشته باشد.

ژئوپولیتیک جدید نفت چیست؟ ایالات متحده چین را تنها قدرت معاصر می داند که می تواند درمیان مدت (نیمه دوم قرن بیست و یکم) با آن رقابت کند و برتری بکه تازه اش درسطح جهانی را به چالش بکشد

از این رو، از آغاز سال های ۲۰۰۰ «راهبردی حاکمی از عدم اعتماد» نسبت به پکنینگ درپیش گرفته است.

باراک اوباما، رئیس جمهوری امریکا تصمیم گرفته که کل سیاست خارجی امریکا را درمسربران خط مشی تغییرجهت دهد.

آمریکا نمی خواهد باردیگر خود را در وضعیت تحقیر آمیز «جنگ سرد» (۱۹۸۹ - ۱۹۴۸) بیابد و ناگزیر باشد برتری جهانی خود را با «برقدرت دیگری» مانند اتحاد شوروی تقسیم کند. این نظریه ای است که مشاوران آقای اوباما آن را چنین جمع بندی می کنند: «یک سیاره، یک برقدرت».

واشنگتن نیروها و پایگاه های نظامی خود را برای «محاصره» چین به سوی شرق آسیا سوق می دهد. در واقع، چین ناظر آن است که جلوی ظرفیت های توسعه دریایی اش توسط چندین «درگیری جزیره ای» با کوریا و جنوبی، تایوان، جاپان، ویتنام، فیلیپین... و حضور هراسناک ناوگان هفتم ایالات متحده گرفته شده است.

به سوازات این امر، دیپلوماسی آمریکا روابط خود را با حکومت هایی که مرز زمینی با چین دارند (به استثنای روسیه) تقویت می کند. این امر توضیح گر نزدیکی چشمگیر واشنگتن و ویتنام و برمه است. این سیاست اولویت بخشی به سوق دادن نیروها به سوی شرق و جلوگیری از چین تنها در صورتی ممکن خواهد بود که ایالات متحده بتواند از تعهدات خود خاور نزدیک شانه خالی کند. در این صحنه راهبردی، واشنگتن به طورسنستی در ۳ عرصهصلحصلصیکنند:

۱- عرصه نظامی: زیرا آمریکا دردرگیری های بسیار، ازجمله افغانستان علیه طالبان

ژئوپولیتیک جدید نفت

نویسنده: ایناسیو رامونه / ترجمه: شهباز نخعی / منبع: لوموند دیپلماتیک

درایان سال های دهه ۱۹۴۰ دست کشید، کنترل مناطق اصلی تولید مواد سوختی برایش به صورت «سواس راهبردی» درآمده است. این امر تا حدودی توضیح گر «دیپلوماسی کودتا» است که واشنگتن در خاورزدیک و آمریکای لاتین به کار گرفته است.

درخاورزدیک، که همان نسبتی که امپراتوری کهنسال بریتانیا درسال های دهه ۱۹۵۰ به سوی مجمع الجزایر اصلی خود عقب می نشست، امپراتوری آمریکا جای آن را گرفت و دست نشانگان خود، به ویژه درعربستان سعودی و ایران، را که تولیدکنندگان اصلی مواد سوختی در دنیا بودند را همراه با ونزولا که در آن زمان تحت کنترل ایالات متحده بود مستقرکرد.

تا همین اواخر، وابستگی واشنگتن به نفت و گاز خاورزدیک مانع ازاین بود که به طور جدی درمورد عقب نشینی از منطقه بیاندیشد.

چه تقریری رخ داده که اکنون آمریکا به فکر شانه خالی کردن از تعهدات خود در خاورزدیک افتاده است؟ عامل این تغییر نفت و گاز میان سنگی است که استخراج آن با روش موسوم به «fracking» درسال های نخست دهه ۲۰۰۰ به اوج رسید و وضعیت را دگرگون کرد. این بهره برداری به خاطر افزایش شدید بهای نفت رونق یافت. نفتی که درسال های ۲۰۱۲

- ۲۰۱۰ بهای هر بشکه آن از ۱۰۰ دلار فراتررفته بود.

از آن پس آمریکا درزمینه مواد سوختی خودکفایی خود را باز یافت و اکنون حتی به مرحله ای رسیده که می تواند روزی به صورت یک صادرکننده بزرگ مواد سوختی درآید (۱) و ازاین رومی تواند درخاورزدیک بیاندیشد. اما، پیش از این تمام این کار باید چاره ای برای التیام زخم های کهنه ای بیابد که گاه قدمت آنها به یک قرن میرسد.

به این خاطر، اوباما تقریبا تمام نیروهای

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

نکته بوده است که اگر مطالعات فرهنگی باید اقتصاد را جدی بگیرد نباید به کاهش گرایسی یا تکرار مکسرات باز گردد (گراسبرگ، ۱۹۹۵: ۷۸). نکته مورد بحث درست فهم شده بود. بر اساس آرای دیوید مورلی (۱۹۹۸) این نکته همان تحلیل مطالعات فرهنگی از ایدئولوژی نئولیبرال در دهه ۱۹۸۰ بود، به ویژه تاجریسم در بریتانیا به مثابه یک پروژه اقتصادی و سیاسی که برای موفقیت فرد به مجموعه ای از دگرگونی های فرهنگی وابسته بود و این دگرگونی ها نه تنها به عرصه سازمان های اقتصادی بلکه به مولاتی چون برداشت از خود، ذهنیت، ساخت فرهنگ کسب و کار» و پذیرش شکل های زندگی شخصی بر پایه «خود کار آفرین» وابسته بود (رجوع کنید به مجموعه کتاب های اوین یونیورسیته: فرهنگ، رسانه ها و هویت ها که استوارت هال ویراستار آنها بود به خصوص جلد اول، دوگی و دیگران، ۱۹۹۷).

آمریکایی را از عراق و افغانستان بیرون کشید. آمریکا در بمباران لیبیا به شکلی بسیار محدود مشارکت کرد و از دخالت علیه مقامات دمشق در سوره خودداری نمود. توافق هسته ای با تهران با گام هایی فشرده در جریان است و واشنگتن اکنون به شدت به اسرائیل فشارمی آورد که به فوریت به توافق با فلسطینی ها دست یابد. درهه جا دیده می شود که واشنگتن مایل به بستن پرونده های خاورزدیک است تا به کار دیگر خود (چین) بپردازد و کابوس خاورزدیک را فراموش کند.

این سناریو تا زمانی که بهای نفت بالای ۱۰۰ دلار هر بشکه باقی مانده بود به خوبی پیش می رفت زیرا هزینه تولید هر بشکه نفت میان سنگی حدود ۶۰ دلار است و سودی مگکی (حدود ۲۰ تا ۴۰ دلار در هر بشکه) برای تولیدکنندگان در برداشت.

این سناریو تا زمانی که بهای نفت بالای ۱۰۰ دلار هر بشکه باقی مانده بود به خوبی پیش می رفت زیرا هزینه تولید هر بشکه نفت میان سنگی حدود ۶۰ دلار است و سودی مگکی (حدود ۲۰ تا ۴۰ دلار در هر بشکه) برای تولیدکنندگان در برداشت.

این سناریو تا زمانی که بهای نفت بالای ۱۰۰ دلار هر بشکه باقی مانده بود به خوبی پیش می رفت زیرا هزینه تولید هر بشکه نفت میان سنگی حدود ۶۰ دلار است و سودی مگکی (حدود ۲۰ تا ۴۰ دلار در هر بشکه) برای تولیدکنندگان در برداشت.

این سناریو تا زمانی که بهای نفت بالای ۱۰۰ دلار هر بشکه باقی مانده بود به خوبی پیش می رفت زیرا هزینه تولید هر بشکه نفت میان سنگی حدود ۶۰ دلار است و سودی مگکی (حدود ۲۰ تا ۴۰ دلار در هر بشکه) برای تولیدکنندگان در برداشت.

این سناریو تا زمانی که بهای نفت بالای ۱۰۰ دلار هر بشکه باقی مانده بود به خوبی پیش می رفت زیرا هزینه تولید هر بشکه نفت میان سنگی حدود ۶۰ دلار است و سودی مگکی (حدود ۲۰ تا ۴۰ دلار در هر بشکه) برای تولیدکنندگان در برداشت.

این سناریو تا زمانی که بهای نفت بالای ۱۰۰ دلار هر بشکه باقی مانده بود به خوبی پیش می رفت زیرا هزینه تولید هر بشکه نفت میان سنگی حدود ۶۰ دلار است و سودی مگکی (حدود ۲۰ تا ۴۰ دلار در هر بشکه) برای تولیدکنندگان در برداشت.

تثبیت شد. این سیاست گمر تولید نفت میان سنگی را شکست و امروز بیشتر تولیدکنندگان این نفت دستخوش بحران، بدهکار و در شرف ورشکستگی هستند که این امر بخشی از نظام بانکی آمریکا را تهدید می کند که با گشاده دستی اعتبارات فراوانی به این تولیدکنندگان جدید نفت داده بود. نه نفت میان سنگی و نه حفاری ها در «عمق دریاها» با قیمت نفت ۴۰ دلار برای هر بشکه سودبخش نیست. بسیاری از شرکت های بزرگ نفتی اکنون اعمال کرده اند که از بهره برداری های غیرسودبخش در دریاها دست می کشند و دهها هزار شغل از دست رفته است.

تثبیت شد. این سیاست گمر تولید نفت میان سنگی را شکست و امروز بیشتر تولیدکنندگان این نفت دستخوش بحران، بدهکار و در شرف ورشکستگی هستند که این امر بخشی از نظام بانکی آمریکا را تهدید می کند که با گشاده دستی اعتبارات فراوانی به این تولیدکنندگان جدید نفت داده بود. نه نفت میان سنگی و نه حفاری ها در «عمق دریاها» با قیمت نفت ۴۰ دلار برای هر بشکه سودبخش نیست. بسیاری از شرکت های بزرگ نفتی اکنون اعمال کرده اند که از بهره برداری های غیرسودبخش در دریاها دست می کشند و دهها هزار شغل از دست رفته است.

تثبیت شد. این سیاست گمر تولید نفت میان سنگی را شکست و امروز بیشتر تولیدکنندگان این نفت دستخوش بحران، بدهکار و در شرف ورشکستگی هستند که این امر بخشی از نظام بانکی آمریکا را تهدید می کند که با گشاده دستی اعتبارات فراوانی به این تولیدکنندگان جدید نفت داده بود. نه نفت میان سنگی و نه حفاری ها در «عمق دریاها» با قیمت نفت ۴۰ دلار برای هر بشکه سودبخش نیست. بسیاری از شرکت های بزرگ نفتی اکنون اعمال کرده اند که از بهره برداری های غیرسودبخش در دریاها دست می کشند و دهها هزار شغل از دست رفته است.

تثبیت شد. این سیاست گمر تولید نفت میان سنگی را شکست و امروز بیشتر تولیدکنندگان این نفت دستخوش بحران، بدهکار و در شرف ورشکستگی هستند که این امر بخشی از نظام بانکی آمریکا را تهدید می کند که با گشاده دستی اعتبارات فراوانی به این تولیدکنندگان جدید نفت داده بود. نه نفت میان سنگی و نه حفاری ها در «عمق دریاها» با قیمت نفت ۴۰ دلار برای هر بشکه سودبخش نیست. بسیاری از شرکت های بزرگ نفتی اکنون اعمال کرده اند که از بهره برداری های غیرسودبخش در دریاها دست می کشند و دهها هزار شغل از دست رفته است.

تثبیت شد. این سیاست گمر تولید نفت میان سنگی را شکست و امروز بیشتر تولیدکنندگان این نفت دستخوش بحران، بدهکار و در شرف ورشکستگی هستند که این امر بخشی از نظام بانکی آمریکا را تهدید می کند که با گشاده دستی اعتبارات فراوانی به این تولیدکنندگان جدید نفت داده بود. نه نفت میان سنگی و نه حفاری ها در «عمق دریاها» با قیمت نفت ۴۰ دلار برای هر بشکه سودبخش نیست. بسیاری از شرکت های بزرگ نفتی اکنون اعمال کرده اند که از بهره برداری های غیرسودبخش در دریاها دست می کشند و دهها هزار شغل از دست رفته است.

تثبیت شد. این سیاست گمر تولید نفت میان سنگی را شکست و امروز بیشتر تولیدکنندگان این نفت دستخوش بحران، بدهکار و در شرف ورشکستگی هستند که این امر بخشی از نظام بانکی آمریکا را تهدید می کند که با گشاده دستی اعتبارات فراوانی به این تولیدکنندگان جدید نفت داده بود. نه نفت میان سنگی و نه حفاری ها در «عمق دریاها» با قیمت نفت ۴۰ دلار برای هر بشکه سودبخش نیست. بسیاری از شرکت های بزرگ نفتی اکنون اعمال کرده اند که از بهره برداری های غیرسودبخش در دریاها دست می کشند و دهها هزار شغل از دست رفته است.

تثبیت شد. این سیاست گمر تولید نفت میان سنگی را شکست و امروز بیشتر تولیدکنندگان این نفت دستخوش بحران، بدهکار و در شرف ورشکستگی هستند که این امر بخشی از نظام بانکی آمریکا را تهدید می کند که با گشاده دستی اعتبارات فراوانی به این تولیدکنندگان جدید نفت داده بود. نه نفت میان سنگی و نه حفاری ها در «عمق دریاها» با قیمت نفت ۴۰ دلار برای هر بشکه سودبخش نیست. بسیاری از شرکت های بزرگ نفتی اکنون اعمال کرده اند که از بهره برداری های غیرسودبخش در دریاها دست می کشند و دهها هزار شغل از دست رفته است.

مطالعات فرهنگی، نظریه انتقادی و حاکمیت فرهنگی

کنت تامپسون / مترجم: استاد یونس شرخواه / قسمت چهارم و پایانی

اخلاقی روشنفکران انتقادی خارج از این نهادها، یا آنکه در دانشگاه ها کار می کنند، کمتر نباشد. برای این ادعا مدارکی وجود دارد که نشان می دهد کارکنان روشنفکر فرهنگی، مثل دست اندرکاران جامعه هنری، مدیران و متصدیان پیشبرد سیاست های مترقی، در تقویت تنوع فرهنگی و در گسترش مشارکت و آگاهی در بخش های مختلف جامعه نقش داشته اند.

کاهش توجه محض و منتقدانه به اجرا و سیاست سازی فرهنگی در عرصه مطالعات فرهنگی، باعث شد تا این قلمرو به منافع دراز مدت جامعه شناسی نزدیک تر شود. این امر به ویژه درباره جامعه شناسی سازمان ها، که یکی از نخستین عرصه های فرعی بود که «چرخش فرهنگی» را تجربه کرد، بیشتر صدق می کند. آنچه در دهه ۱۹۷۰ در سازمان ها «چشم انداز فرهنگی» نامیده شد (تامپسون ۱۹۷۵) نمادها و گونه های متفاوت خریدگرایی در سازمان های مختلف را در تیروس توجهات خود قرار داد. طبق این دیدگاه، «سازمان های فرهنگی» که در میان آنان سازمان های مذهبی نمونه بارز به شمار می آمدند، به دنبال کاربرد خریدگرایی نمادین مقتضی در قیاس با منطق - تجربه یا وسیله - هدف، در تفاوت پیرامون ساختارها و کارکردهای سازمان خود بوده اند. در چنین سازمان هایی، یک تمایل درونی به سوی پدیده خودنظاره نگری انعکاسی و عدم رضایت از مسالحه با ایدهال ها وجود دارد.

نتیجه تاریخ اخیر مطالعات فرهنگی، به ویژه نوع بریتانیایی با نفوذ آن در جهان یک داستان آموزنده است که بازتابانده تلاش هایی است که درباره یک مسئله غامض صورت گرفته است. این تلاش ها برای بسط منابع جدید برای نظریه انتقادی به وقوع پیوسته و البته برای دغدغه های جامعه شناسی متاخر یا پست مدرن کافی و مرتبط بوده است. اگر قرار باشد تجربه مطالعات فرهنگی را به عنوان یک راهنما در نظر بگیریم، ممکن است راه پیش رو به راه سازی تضاد هابز ماس میان نقد و کنش فنی بیجامد و بیشتر باید به جای آن بر پدیده انتقادی و خودنظاره نگری انتقادی تکیه کنیم که می تواند در فرهنگ سازمانی و سازمان فرهنگ وجود داشته باشد.

منبع: ویلاگ استاد یونس شکر خواه، «دات»

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عه